زنجیر روی زمین اتحاد
پیکار خلق
۵۴
یکشنبه ۶ مهر ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

گزارشی از: کارخانهٔ کمپیدرو

" در روز سه شنبه ساعت ۳ بعد ازظهر کارکنان کارخانهٔ کمپیدرو بنا به درخواست مدیرعامل کارخانه که روز قبل ضمن اطلاعیه ای آنها را به شرکت در مجمع عمومی دعوت کرده بود تا برای راه انداختن مجدد کارخانه " چاره ای" بیندیشند ، درسالن غذاخوری اجتماع می کنند . کارگران چهرهٔ رسوای مدیرعامل " حمیری" رامی شناختند و بخوبی از هدف این فراخوان باخبر بودند و میدانستند که تشکیل مجمع عمومی فقط جنبهٔ تشریفاتی دارد . اضافه کنیم که "حمیری" درزمان رژیم شاه مدیرعامل کارخانهٔ چوکا در شمال بوده و هنگام اعتصاب کارگران ، بدستور وی تانکها به درون کارخانه سرازیرشده بودند . بهرحال طبق معمول پس ازانتظاربسیارمدیرعامل وارد میشود . " حمیری" باگفتن بسم الله وصلوات صحبت خود راآغازمیکند و میگوید : " کارگران و کارکنان عزیز ما بارد یگراینجاجمع شده ایم که برای راه اندازی کارخانه فکری بکنیم . ولی ما مدیران بعد از مذاکرات زیاد به

بقیه در صفحهٔ ۳

کمونیستها دربارهٔ جنگ ایران وعراق چه میگویند؟

هرروز که میگذرد جنگ بین دو دولت ارتجاعی و ضدخلقی ایران وعراق دامنهٔ گسترده تری میگیرد . این جنگ ، جنگی است بین سرمایه داران عراق و ایران که زحمتکشان هر دو کشور گوشت دم توپ آن هستند و برای آنان چیزی جز قحطی ، گرانی و خانه خرابی ببار نخواهد آورد . لذا خلقهای زحمتکش ایران وعراق خواهان متوقف کردن هرچه سریع‌تر جنگ هستند .

رژیم فاشیستی بعث عراق آشکارا به خاک میهن ما تجاوز نظامی نموده و با بمباران مناطق مختلف وورود به مناطق و شهرهای ایران دست بکشتار زحمتکشان مازده است. رژیم فاشیستی و ضدخلقی بعث عراق که در جنگ ۶۷ و ۷۳ اعراب و اسرائیل عملا نقش غیرفعال داشت و باهزاربهانه ازرویاروی شدن باارتش غاصب اسرائیل فرارمینمود ، اینک قسمت اعظم قوای خود راوارد جنگ در مرزها و در داخل ایران نموده است . در همان حمله به فرودگاه مهرآباد چندین نفر از کارگران زحمتکش شهرک اکباتان ویاخدمه فرودگاه قربانی شدند . اینک تعداد زیادی ازمردم زحمتکش منطقهٔ قصرشیرین و نفت ـ شهر ، خرمشهرو سایرنواحی مرزی درنتیجه این تجاوز یاکشته شده و یامجبوربه ترک شهرشده و خانه و زندگی خود راازدست داده اند . رژیم فاشیستی بعث عراق با بوق و کرنافریاد میزند که گویا " نجات" خلقها

بقیه درصفحهٔ ۲

مشکل زحمتکشان دولت آباد و اخاذی انجمن شهر (قهرمانشهر)

دولت آباد که حومهٔ قهرمانشهر بحساب می آید ، درحدود ۷۰۰ متر از خیابان اصلی (سنجابی) فاصله دارد . مردم این محل که شاید ۴ تا ۵ هزارخانوار هستند ، باانواع کمبود ها ازقبیل اسفالت ، حمام ، بیمارستان ، وسیلهٔ ایاب و ذهاب وغیره مواجه هستند . باوجود این همه جمعیت ، فقط سه دستگاه مینی بوس واحد دراین مسیربه شهر کار می کند و بعلت خرابی جاده تاکسی به دولت آباد نمیرود . مردم این محل اکثرا کارگران روزمزد فعله می باشند .

درتاریخ ۵/ ۶/ ۵۹ بعد ازسه روز بی آبی ، کارگران که تازه از کار برگشته بودند درساعت ۵/ ۹ شب در کوچه هاجمع شدند تابرای رفع مشکل بی آبی فکری بکنند . همگی میگویند ما باید از انجمن آب بخواهیم چون این انجمن چند سال است که از ما پول می‌گیرد . بااین تصمیم با شعار " مرگ برانجمن " مرگ بر اکبر حسنی " براه می افتند وبه درب خانهٔ اکبرحسنی میروند . حال بهتراست پای صحبت خود اهالی دولت آباد بنشینیم و ببینیم که اکبرحسنی کیست ؟ یکی میگوید وقتی اکبرحسنی به دولت آباد آمد ، هیچی نداشت خشت مال بود ، خون ماراخورده وحالا همه

بقیه در صفحهٔ ۳

حملهٔ اوباشان چماقدار به کتابفروشیها

در روز یکشنبه ۱۶ شهریور چماقداران جمهوری اسلامی مجددا جلوی دانشگاه را قرق کردند و جشن کتابسوزان براه انداختند . آنان مغول وار به هر دکهٔ کتابفروشی که می‌رسیدند ، آن راواژگون کرده ، کتابهاراپاره و یا به آتش می کشیدند . تازه اگر دکه ـ

بقیه در صفحهٔ ۴

اخبارکوتاه

ص ۴

مرگ برامپریالیسم وسرمایه داری وابسته

www.peykar.org

ایران را در این جنگ دنبال میکند، اما در واقع آنچه نصیب خلقهای ما خواهد شد قحطی بی خانمانی، گرانی و در مناطق جنگ زده کشت و کشتار خواهد بود. رژیم فاشیستی بعث عراق که خود دستش تا مرفق بخون صدها کمونیست و انقلابی و زحمتکشان عراق آغشته میباشد، رژیمی که وحشیانه خلق کرد را در عراق سرکوب مینماید، رژیمی که مستقیم و غیرمستقیم در رزد و بند با امپریالیستها میباشد، چگونه میخواهد طرفدار آزادی خلقهای ایران باشد؟ تمام فریادهای دروغین رادیو عراق مبنی بر "آزادی" و "رهائی" خلقهای ایران تزویر و عوامفریبی است. رژیم بعث عراق با تجاوز بخاک کشور ما اهداف توسعه طلبانه و اشغالگرانه ای را دنبال میکند. رژیم بعث عراق همچنین با براه انداختن این جنگ میخواهد افکار عمومی عراق را از مشکلات درونی منحرف نموده تا بورژوازی عراق بهتر و با خیال راحت تری بتواند به استثمار زحمتکشان بپردازد. این یک واقعیت است که زحمتکشان عراق در حال بیداری و بپاخیزی هستند. موج نارضایتی و اعتراض عمومی در بین زحمتکشان عراق در حال شکل گیری است. مبارزات دلیرانه خلقهای ایران علیه امپریالیسم و رژیم فاشیستی شاه دارای تأثیرات مستقیمی بر روند جنبش در عراق بوده و همبستگی مبارزاتی بین خلقهای ایران و عراق را تقویت نموده است. رژیم ضد خلقی صدام حسین میخواهد با براه انداختن جنگ از یکسو از تأثیرات مبارزات خلقهای ایران بر روی مردم عراق بکاهد و از سوی دیگر اذهان مردم عراق را از مبارزه واقعی علیه ارتجاع حاکم منحرف نماید. بنابراین جنگ از جانب رژیم ضد خلقی عراق جنگی است تجاوزکارانه و در جهت سرکوب خلقهای ایران و عراق و در خدمت تشدید استثمار و غارتگری در جهت منافع سرمایه داران عراقی و امپریالیستها.

اما جنگ از جانب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز ناعادلانه میباشد. رژیم ایران نیز با دنبال کردن سیاست تحریک تحت عنوان "صدور انقلاب" عملا به جنگ دامن میزند. رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات عوامفریبانه پیرامون "جنگ اسلام علیه کفر" و عوامفریبی پیرامون "دفاع از ملیت و میهن" زحمتکشان ما را به گوشت دم توپ بدل نموده است. رژیم جمهوری اسلامی طی حیات کوتاه خود بکرات ثابت نموده که نه تنها در خدمت زحمتکشان و برای بهبود وضع زندگی آنها عمل نمیکند، بلکه آشکارا از منافع سرمایه داران در جهت تشدید استثمار و بهره کشی از زحمتکشان دفاع می‌نماید. امروزه با رگرانی، بی مسکنی، پائین آمدن قدرت خرید بر دوش زحمتکشان میهن ما سنگینی میکند. رژیم جمهوری اسلامی بکرات نشان داده است که نه تنها خواهان کوتاه شدن دست غارتگران امپریالیستی و رهائی کامل اقتصادی و سیاسی کشور ما از یوغ بیگانه نیست، بلکه تمام سیاستهای این رژیم در جهت حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته با امپریالیسم در ایران میباشد. بنابراین دفاع از ملیت و وطن از نظر سران جمهوری اسلامی ایران مفهومی بجز دفاع از سرمایه داران و امپریالیسم در ایران و حفظ استثمار زحمتکشان ندارد. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خویش در این جنگ نه از منافع ملی زحمتکشان و خلقهای ایران، بلکه از منافع سیستم سرمایه داری وابسته دفاع میکند و سربازان و زحمتکشان را در مسلخ منافع خود قربانی مینماید. همچنین رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات وسیع پیرامون این مسئله که ما در جنگ با خارجی هستیم و با تبلیغ بر سر اینکه کسانیکه صف نان و نفت تشکیل میدهند "ضد انقلاب" هستند، میخواهد افکار و اذهان مردم را از مشکلات و معضلات و مهمترین و ابتدائی ترین خواسته های اقتصادی ـ سیاسی و خواست بحق مردم برای تشدید مبارزه ضد امپریالیستی منحرف نموده تا بتوانند با دست بازتری به چپاول و غارت دسترنج زحمتکشان بپردازند و هم اینکه با بسیج مردم حول مسئله جنگ با شدت بیشتری بسرکوب کمونیستها و انقلابیون مبادرت ورزند. ادامه سرکوب خلق کرد نشانه این امر است.

بنابر آنچه گفته شد از نظر ما جنگ عراق و ایران از هر دو جانب جنگی است غیر عادلانه و در خدمت حفظ و تحکیم رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی در ایران و عراق. ماهیت این جنگ از هر دو طرف ضد خلقی بوده و علیه خلقهای زحمتکش ایران و عراق میباشد. مردم هر دو کشور گوشت دم توپ منافع ارتجاع حاکم شده اند. بنابراین ما همراه با تمام زحمتکشان عراق و ایران خواهان متوقف ساختن بلادرنگ این جنگ هستیم. زیرا از این جنگ تنها امپریالیستها و طبقات ارتجاعی حاکمه در دو کشور سود خواهند برد. زیرا که از این جنگ چیزی جز وابستگی بیشتر اقتصادی ـ سیاسی نصیب خلقهای ایران و عراق نخواهد شد. کمونیستها و انقلابیون ایران بهیچوجه مجاز نیستند که تحت عنوان شعارهای ظاهرفریبی از قبیل "جنگ علیه تجاوز خارجی" به تقویت رژیم ضد خلقی حاکم بپردازند و مردم را بزیر چترارتش و سپاه پاسداران فراخوانند. کاری که هم اکنون اپورتونیستها و رویزیونیستها سخت مشغول آنند.

همانطور که گفتیم جنگ کنونی ایران و عراق جنگی است بین دو حکومت ارتجاعی و مستقل از اینکه کدام طرف پیروز شوند، پی آمد آن تشدید سرکوب و غارت زحمتکشان خواهد بود و بار خسارت و خرابیهای آن نیز بر دوش زحمتکشان انداخته میشود. بنابراین ما همدوش تمامی خلقهای زحمتکش ایران هم تجاوز نظامی رژیم ارتجاعی عراق را محکوم می‌کنیم و هم سیاستهای رژیم ضد خلقی ایران را. خلقهای ایران و انقلابیون میبایست خود سرنوشت خویش را در دست گیرند و برای این منظور راهی نیست بجز مبارزه مستقل علیه ارتجاع حاکم که دشمن مستقیم خلقهای میهن ما میباشد و مبارزه علیه هرگونه تجاوز کشورهای ارتجاعی همجوار. این جنگ، جنگ امپریالیسم و کشورهای ارتجاعی منطقه علیه خلقهای این کشورها میباشد. درست بهمین دلیل ما خواهان قطع بلادرنگ جنگ میباشیم. در عین حال کمونیستها و انقلابیون در تمام مناطقی که مورد هجوم ارتش تجاوزکار عراق قرار میگیرد، میبایست دست به مقاومت مسلحانه زنند و در جهت بسیج و سازماندهی توده ها در مقابل ارتش تجاوزکار عراق بکوشند. این مقاومت مسلحانه و بسیج و سازماندهی توده ها بهیچوجه بمفهوم پشتیبانی از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نبوده، بلکه تنها و تنها میتواند و میباید بصورت صف مستقل نیروهای انقلابی باشد. طبیعی است که کمونیستها و انقلابیون برای سازماندهی یک مقاومت مسلحانه همه جانبه میبایست دست به اتحاد عمل زده و بدون مخدوش کردن مرزهای ایدئولوژیک ـ سیاسی بر پایه تناسب نیرو بعنوان حقوق دمکراتیک هر نیرو دست به فعالیت مشترک بزنند.

www.peykar.org

گزارشی از ...

این نتیجه رسیدیم که باید بار دیگر با یکی از کشورهای پیشرفته قرارداد ببندیم و من چون زیاد مطالعه کردم دیدم نمیتوانیم با هندوستان و یا کشور دیگری رابطه برقرار کنیم، چون قبلاً با انگلستان قرارداد داشتیم و اصلاً چون این کارخانه را از انگلستان خریداری کرده‌ایم، بهمین خاطر باید دوباره با آن کشور قرارداد ببندیم. البته من اول بگویم همانقدر که شما از آمریکا متنفر هستید، منهم هستم ولی هزار بار از انگلستان بیشتر از آمریکا متنفرهستم ولی برای راه‌اندازی کارخانه و نجات کشور باید باز هم با انگلستان قرارداد منعقد کنیم". "حمیری" این دلال امپریالیسم خواست با هزار آه و ناله، دلالی خود را مخفی سازد و از کارگران برای انعقادقرارداد اسارتبار با امپریالیسم انگلیس، تأیید بگیرد. اگر چه این زالوصفتان احتیاجی به اینگونه تائیدات ندارند برای تأمین منافع خود و استثمار بیشتر کارگران و سرازیر کردن سود حاصله از این استثمار بجیب امپریالیستها، از موضع طبقاتی خود حرکت میکنند و نتنها شنیدن نظر کارگران در این مورد اصلاً مطرح نیست، بلکه اگر مخالفتی هم بشنوند دست به سرکوب میزنند.

کارگران کارخانهٔ کپید رو خبر داشتند که سه روز قبل این قرارداد اسارتبار منعقد شده بود و "حمیری" از این آه و ناله ها اهداف دیگری را دنبال میکند. یکم اینکه وانمود سازد برای نظر کارگران وکارکنان اهمیت قائل است و میخواهد از نظر آنها در تصمیم گیری استفاده کند. در حالیکه با گفتن "من و مدیران بعد از مذاکرات زیاد به این نتیجه رسیدیم که..." خود را رسوا میسازد و نشان میدهد که تصمیمها را این دلالان امپریالیسم گرفته‌اند و این نظر خواهی جنبهٔ فرمایشی و تشریفاتی دارد دوم اینکه "حمیری" در صدد بود با این صحبتها، معترضین به چپاول از سوی امپریالیستها را شناسائی کند و مورد تعقیب قرار دهد. اما کارگران هوشیار که میدانستند اعتراض آنها به "حمیری" که سه روز قبل با بستن قرارداد با امپریالیسم انگلیس چاکری خود را به امپریالیسم به ثبوت رسانیده بود، تاثیری نخواهد داشت، بدون آنکه

حرفی بزنند یک بیک سالن را ترک کرده و چون ساعت کار هم پایان یافته بود با زدن کارت خود در ساعت کارت زنی، بسوی سرویس ایاب و ذهاب رفته و کارخانه را ترک میگویند. بدین ترتیب آنها توطئهٔ مدیر عامل "حمیری" را در مورد شناسائی کارگران آگاه و مبارز، خنثی میکنند، با این تفکر که از طریق دیگر و به اشکال دیگری مبارزهٔ خود را علیه سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم ادامه دهند.

مشکل زحمتکشان ...

چیز دارد. کس دیگر میگوید هفت سال است پول آب میدهیم، هنوز آب نداریم و ری اضافه میکند وقتی پالیزبان فاسد به استاندار کرمانشاه گمارده شد، همین اکبر حسنی از هر خانواده ده تومان گرفت که برای استاندار گوسفند و گاو سر ببرد و اولین کسی بوده که گل به گردن پالیزبان خون آشام انداخته است. پیرزنی از اهالی میگوید یک دفعه هر خانواده ۱۵۰۰ تومان پول دادیم برای منبع آب، اما این منبع شده نان‌دانی و منبع اخاذی این انجمن کثیف، مدام پول میگرفتند که واشر پمپ خراب است، کاسهٔ نمد خراب است، گازوئیل ندارد و ما مردم بدبخت هی پول میدادیم. دو ماه پیش باز مردم دولت‌آباد برای منبع آب جدید هر خانوار ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ تا ۵۰۰ تومان بحساب شمارهٔ ۱۰۴۰ واریز کردند ولی باز هم مثل سابق سه روز سه روز آب نداریم.

آری خشم این مردم ستمکش از این همه اخاذی در تاریخ ۵۹/۶/۵ به اوج خود رسید و با شعار "مرگ بر انجمن" براه میافتند ولی اعضاء انجمن که مثل زمان شاه با ژاندارمری و ادارجات "جمهوری اسلامی" دستشان در یک کاسه است، به اتفاق برادر اکبر حسنی که پاسدار است، برای چند نفر اهالی این محل پاپوش درست کرده که گویا خانه اکبر را آتش زده‌اند تا بدین ترتیب با مورد تعقیب قرار دادن این چند تن مردم را بترسانند ولی این بار تیرشان به سنگ خورده است چون مردم با اتحاد خود میگویند خانهٔ کسی آتش نگرفته است و اگر هم مأموران مفت‌خور میگویند که آتش گرفته همهٔ ما آتش زدیم، و تا آخرین قطره خون خود از این چند نفر پشتیبانی خواهیم کرد اهالی زحمتکش دولت‌آباد با اتحاد خود و مبارزهٔ پیگیر در تاریخ ۵۹/۶/۱۰ بر خلاف میل مجریان ژاندارمری، اکبر حسنی را به زندان میاندازند که گویا چند نفر از مفت‌خواران اداری فعلاً ضمانت این کلاهبردار را به عهده گرفته و تا موعد دادگاه او را آزاد کرده‌اند.

بکوشیم تا از حرکت‌های ستمکشان برای تحقق خواستها یشان پشتیبانی کنیم.

اخبار ...

پزشک در مقابل تقاضای بیمورد پاسداران ایستادگی میکند. در نتیجه میان پزشک و پاسدار نزاع در میگیرد. در این میان عدهٔ دیگری از پاسداران به همکاران خود می‌پیوندند و شروع به فحاشی می‌کنند. پاسداران که حمایت کارکنان بیمارستان را از پزشک مقاوم می‌بینند، جهت ارعاب دست به تیراندازی میزنند که نتیجتاً حسابدار بخش اتفاقات مجروح میشود.

مشهد ـ چندی پیش عده‌ای از دانشجویان دختر دانشگاه مشهد که در مقابل تخلیهٔ خوابگاه بدستور دادستانی "انقلاب" مقاومت کرده بودند، دستگیر و روانهٔ زندان میشوند. خانوادهٔ دانشجویان زندانی طی نامه‌ای به بنی صدر خواستار آزادی فرزندان خود شدند و از جمله نوشتند "آیا باید دانشجویانی در زندان باشند و هیچگونه قانونی نباشد که کوچکترین اقدامی برای آزادی آنها انجام دهد و یا لااقل جرم آنها را برای مردم اعلام کند تا مردم بفهمند فرزندان ما به چه جرمی کتک خورده و از خانهٔ خود شان اخراج و به زندان افتاده‌اند؟ ..... با اینکه ۱۱ روز از بازداشت فرزندان ما می‌گذرد همچنان وضع آنها نامشخص است. بدیهی است که آزادی بدون قید و شرط و فوری فرزندان ما حق مسلم آنهاست".

ارسیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

حملهٔ اوباشان ...

داری هم لب به اعتراض میگشود ، وحشیانه مورد حمله قرارمیگرفت . کم نبودند کسانی که باچاقوی این جیره خوران جمهوری اسلامی زخمی و به بیمارستان منتقل می‌شدند . اوباشان تنهابه یورش به دکه های کتابفروشی اکتفانکرده و "آتلیهٔ کنکور" را هم از حملات خودبی نصیب نساختند وآن جاراهم "فتح" کردند . درجلوی ساختمان این موسسه هرلحظه برتعداد مردم رهگذر و کنجکاو که براستی از اعمال وحشیانهٔ این مزدوران بخشم آمده بودند ، افزوده می‌گشت . اوباشان که تجمع مردم رادیدند و این تجمع برایشان چندان خوش‌آیند نبود باحمله و فحاشی به مردم میکوشیدند تا آنهارامتفرق سازند . بعدازمدت کوتاهی برنامهٔ همیشگی تکرار شد و یك ماشین حامل تفنگچیان کمیته که مطابق معمول درهمان حوالی هاست ، واردصحنهٔ عمل شد . کمیته چیان چون خشم و اعتراض مردم را دیدند ، وحشت زده از دستهٔ اوباشان که تعدادشان از ۱۰ نفرهم تجاوزنمیکرد ، خواستند تاساختمان راترك کنند . عدهٔ کثیری از مردم که این صحنه هارابچشم دیده و شاهد بودند که چگونه عده ای چاقو کش براحتی واردساختمانی میشوند و پس از بهم ریختن وسائل آن موسسه ، خیلی خونسرد آنجاراترك می‌کنند و کمیته چیها این باصطلاح حافظین جان و مال و ناموس مردم هم اصولاً مثل اینکه اتفاقی نیافتاده آنهارازیرچترحمایت خود می‌گیرند ، لذالب به اعتراض‌گشودند و به کمیته چیان گفتند مگرهمین دیشب تلویزیون شمااعلام نکرد که تنهابادردست داشتن نامهٔ دادستانی میتوان واردساختمان شد ، پس چراازاین چاقوکشان نخواستیدکه نامهٔ دادستانی رانشان بدهند و اصولاً اینهابه چه حقی واردابن ساختمان شدند ؟ دیگری میگفت چراآنان رادستگیرنکردید و گذاشتیدکه آزادانه بروند ؟ و خلاصه فریاد های‌اعتراض هرلحظه بلندترمیشد . کمیته چیان که اوضاع راپس دیدند و تنهابه اسلحهٔ کمری مجهز بودند و این برای متفرق کردن مردم کافی نبود ، سوارماشین شده و قصد فرار کردند ، امامردم دور ماشین آنهاراگرفته و ازآنهاپاسخ میخواستند . کمیته چیان که از پاسخگوئی به مردم معترض عاجزبودند ، ماشین راروشن کرده و باسرعت بمیان مردم زدند و اگر مردم فوراً کنارنمی‌کشیدند ، عدهٔ بسیار زیادی زخمی می‌شدند . امامردم که براستی اکثریت آنان رهگذربوده و در ابتداء از روی کنجکاوی درآنجاجمع شده بودند ، بادیدن حرکت کمیته چی ها بیك باره شروع به هوکردن کمیته چیان و دادن شعار "مرگ بر ساواکی ، مرگ برساواکی" کردند . حرکت اعتراضی مردم در برخورد به افرادکمیته چی نشان دادکه مردم چهرهٔ ضدمردمی حاکمین راشناخته و حمایت ارگانهای سرکوبگر حکومت راازچماقداران و حمله کنندگان به کتابفروشیهاو اجتماعات می‌بینند .

نیم ساعت پس‌از این ماجراً ، عین آن در روبروی بلوار لاله تکرار شد . همان عدهٔ اوباش به مردمی که در آنجامشغول‌صحبت بودند ، باشیشهٔ پپسی و سنگ حمله کردند و درست پنج دقیقه بعد مطابق معمول ماشین کمیته سررسید . کمیته چیان اینبار یکنفر از معترضین و یك چماقدارراگرفته و باخود بردند . اماجالب است که درست بیست دقیقه بعد درمقابل چشمان حیرت‌زدهٔ مردم سروکلهٔ آن چماقداراباصطلاح دستگیرشده مجدداً ظاهرشد . این امرباز هم عاملی بود برای زدودن شك و شبهه آن کسانیکه می پنداشتند این چماقداران مستقلاً و خودشان کار می‌کنند و مورد حمایت دولت نیستند . مثلاً یکی میگفت من تاحالا خیلی چیزها شنیده بودم و باور نمیکردم چون خودم هنوز از نزدیك ندیده بودم ، اما امروز دیگر با دو چشم خودم دیدم که چه‌گونه چماقداران به کتابفروشیها حمله کرده و مردم معترض به این عمل وحشیانه را مورد ضرب و شتم قرارمیدهند و کمیته چیان هم این اوباشان را زیر چتر حمایت خود می‌گیرند . آری ، ارتجاع حاکم بابسیج اوباشان و حمله به کتابفروشیها ، قصد خفه کردن آگاهی رادارد ، اماهرقدمی که دراین راه برمیدارد ، ماسك از چهرهٔ پلید خود میدرد و ضمن رسواساختن بیشترخود ، موجبات فروپاشیدن توهمات باقیماندهٔ مردم نسبت‌بحکومت را فراهم میسازد . برخورد مردم بکمیته چیان دراینروز نوید این امراست●

اخبار کوتاه

تهران ـ بدنبال حملهٔ جیره خواران حکومت جمهوری اسلامی به خوابگاه مدرسهٔ عالی علوم تغذیه و تخلیهٔ این خوابگاه بزور اسلحه ، دانشجویان معترض به این عمل مرتجعانه ، درتاریخ پنجشنبه ۱۳/ ۶/ ۵۹ و جمعه ۱۴/ ۶/ ۵۹ از حوالی پارك ساعی درخیابان مصدق تامیدان ولی‌عصر به تظاهرات پرداختند . دانشجویان خواهان بازگردانیدن خوابگاه به دانشجویان می‌باشند .

زاهدان ـ درحالیکه عاملین اصلی درگیریهای دانشگاه زاهدان آزادانه می گردند ، درحالیکه حکومت برای پیش برد "انقلاب فرهنگی" خود همچنان به حبس و زندان و حتی تیرباران دانشجویان واستادان مبارز متوسل میشود و درحالیکه رژیم به بهانهٔ شرکت در درگیریها همچنان به اخراج استادان مشغول است ، کارکنان دانشگاه زاهدان نیز از ضربهٔ حکومت درامان نماندند . اخیراً ۱۲ تن ازکارکنان دانشگاه زاهدان به جرم "محرك اصلی" بودن دردرگیری دانشگاه و به بهانهٔ "عدم صلاحیت" از کار برکنار می‌گردند . اسامی آنهاعبارت است از :

۱ـ محمد حسین حوبری ـ ۲ـ اسدالله ملکی سروستانی ـ ۳ـ داریوش رضایی ـ ۴ـ منوچهرمحمودیان ـ ۵ـ محمد وکیل‌التجار ـ ۶ـ محمد طاهریزاده ـ ۷ـ حسن فلائی ـ ۸ـ موسی اکرمی ـ ۹ـ فریدون اردوبادی ـ ۱۰ـ محمد دانشور ـ ۱۱ـ محمد اسدپور ـ ۱۲ـ شهین رضوی .

شیراز ـ در روز سه شنبه ۱۱/ ۶ پاسداری مجروح به بیمارستان نمازی شیراز آورده میشود درحالیکه پزشك بخش‌اتفاقات نیز مشغول مداوای بیماری بود که خطر مرگ جانش راتهدید میکرد ، پاسداران قلدر از پزشك مصرانه میخواهند که مریض درحال مرگ را رهاکرده و به مداوای پاس‌دار مجروح بپردازد . اماوجدان بیدار پزشك به او اجازهٔ چنین کاری رانداده و

بقیه در صفحهٔ ۳

پیش بسوی جمهوری دمکراتیك خلق

www.peykar.org